



۲۰۱۷/۰۷/۰۶

انجنیر عبدالصیور صافی

ائتلاف ترکیه سیلی محکم بروی عطا محمدنور چیز بیش نیست:

ائتلاف به معنی اتحاد مؤقت گروه ها و نیرو های سیاسی است که هدف مشترک را دنبال می کنند، ائتلاف می تواند به اشکال گوناگونی صورت گیرد از جمله ممکن است چند گروه کوچک با هم و یا گروه های بزرگتر با هم و یا کوچک با بزرگ در یک ائتلاف قرار گیرند، لازمست میان ائتلاف و اتحاد تفاوت قائل شد به این صورت که غالباً ائتلاف در مقایسه با اتحاد مؤقتی تر و محدود تر و غیر رسمی تر میباشند، ائتلاف ها از نظر شکلی متفاوت اند مثل دو جانبه، چند جانبه، سری، علنی، ساده یا دارای سازمان پیچیده، کوتاه مدت و یا دراز مدت، همینطور ائتلافها میتواند در سطح داخل و یا به صورت بین المللی باشند، منظور از ائتلاف در سطح بین المللی همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است و زمانی شکل می گیرد که چند کشور عمدتاً همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر طی توافقنامه رسمی یا این که بدون وجود هرگونه توافق کتبی در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند.

مصادیق ائتلاف در عرصه سیاست داخلی کشورها را می توان در انتخابات گوناگون پارلمانی یا ریاست جمهوری مشاهده کرد. در بسیاری از این انتخابات معمولاً دو یا چند حزب که در یک جناح فکری قرار دارند برای کسب قدرت و پیروزی بر رقبای دست به ائتلاف می زنند، به عنوان نمونه در آخرین انتخابات پارلمانی هندوستان را نامبرد.

ائتلاف های بزرگ بین المللی که در سال های اخیر در سطح جهان شکل گرفت یکی هم ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم در افغانستان است که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر یکعه از کشور های جهان برای مبارزه جدی با تروریسم به نوعی توافق دست یافتند، این ائتلاف با وجود که بخاطر مبارزه با تروریسم شکل گرفت ولی بر خلاف توقعات، نه تروریسم در افغانستان زایل شد نه صلح و آرامش آمد، بلکه ابعاد آن گسترده شده رفت و در سطح جهان در عراق، سوریه، لیبیا و یک عده کشورهای آفریقایی تروریسم به اوج خود رسید، این که چه عوامل باعث ناکامی این ائتلاف در مبارزه با تروریسم گردید بحث است جدا و ما در این بحث روی شکل گیری ائتلافها، دستاردها و اهداف آن که در افغانستان چه گونه شکل گرفته و یا میگیرد تمرکز میکنیم.

در طول این نیم قرن گذشته در افغانستان نیز چند بار وحدت ها، ائتلاف ها، عهدها و پیمانها بین احزاب خلق و پرچم، بین تنظیم های جهادی و بین قومندانان محلی صورت گرفت که هیچ کدام پایدار نبود، طور مثال وحدت بین خلق و پرچم بعد از پیروزی کودتای ۷ ثور از هم پاشید، پیمان صلح اسلام آباد، از مشهور ترین پیمان های تنظیم های جهادی که به تاریخ ۱۶ حوت ۱۳۷۱ (۷ مارچ ۱۹۹۳) مقامات پاکستان، ایران و عربستان نوکران شان را بر سر یک میز نشاند و ادار به امضای پیمان کردند که طی آن ۹ تنظیم تعهد سپرد که به جنگ های کابل پایان بخشیده برای صلح در کشور گام های عملی بر میدارند.

به دنبال امضای این پیمان و دعوت ملک فهد پادشاه وقت عربستان سعودی، سران تنظیم ها به شمول تنظیم وحدت اسلامی یکجا با نواز شریف و جمعی از مقامات پاکستانی عازم عربستان گردیدند در حالیکه ماه رمضان بود این رهبران در مسجد نبوی در مدینه ادای نماز کرده بعد برای ادای عمره و عهد بستن در پیشگاه خداوند که به قول شان برای اعاده صلح در افغانستان وفادار خواهند ماند به خانه کعبه رفتند، جایی که ملک فهد و نواز شریف منحیث ضمانت کنندگان

به تاریخ ۱۲ مارچ ۱۹۹۳ روی آن پیمان امضاء نهادند. درین جریان نواز شریف و ملک فهد اظهار کردند که: «امضای تعهدنامه در مقدس ترین مکان مسلمانان به این معنی است که خداوند نقض کنندگانش را هرگز نخواهد بخشید».

فردای آن رسانه های پاکستانی و جهان از احتمال بازگشت صلح در افغانستان سخن می گفتند، اما این همه خیالبافی بیش نبود. فقط بیست روز از قرآن خوری سران جهادی در خانه خدا گذشته بود که اخبار راکت پرانی، جنگ و تباهی آنان سرخط رسانه ها و روزنامه های جهان گردید.

قبل از انتخابات سال ۲۰۰۹ مارشال فهیم، برهان الدین ربانی، برخی از جنرال های چپی سابق به همراه مصطفی کاظمی و احمد ضیا مسعود، «جبهه ملی» تشکیل دادند. اما در ایام انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ جبهه



ملی از همپاشید، مارشال فهیم به کرزی پیوست، آقای برهان الدین ربانی از عبدالله عبدالله حمایت کرد و احمد ضیاء مسعود، با گل آقا شیرزوی یکجا شد، با ختم انتخابات ریاست جمهوری و تثبیت حاکمیت کرزی، آقای برهان الدین ربانی، عبدالله عبدالله را ترک و با آقای کرزی دست اتحاد داد.

در سال ۲۰۱۴ آقایان دوستم، محقق و ضیا مسعود، جبهه ملی دوم را تشکیل دادند. این تشکل هم خواستار تمرکززدایی از نظام و صلاحیت های بیشتر برای ولایات بود. آنان مانورهایی در آن زمان اجرا کردند و نگرانی حامد کرزی رییس جمهور وقت را برانگیختند، اما در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ این ائتلاف باز هم از بین رفت. جنرال دوستم به اشرف غنی پیوست، محمد محقق به عبدالله عبدالله و احمد ضیا مسعود هم معاونت اول زلمی رسول را پذیرفت که بعداً بادیدن پله با داکتر اشرف غنی یکجا شد.

کنون سه مقام ارشد دولتی که هم زمان در رأس سه حزب سیاسی عمده جنبش ملی، جمعیت اسلامی و حزب وحدت مردم افغانستان قرار دارند، ائتلافی را زیر نام «شورای عالی ائتلاف برای نجات افغانستان» تشکیل دادند این چهره های آزموده شده اکنون خود را نانجی ملت خطاب میکنند، درحالیکه مسبب همه بدبختی های اساسی، تداوم جنگ، بی عدالتی، فساد و بی عزتی همه جامعه همین ها بوده و استند، چطور میتوان قبول کرد که غارتگران و چپاولگران دیروز دموکرات ها و نانجیان امروز باشند! واقعاً تأسفباراست.

این آقایان داکتر غنی را متهم میسازند که در تأمین امنیت در کشور کار ارزشمندی نکرده است سؤال این است که آیا آوردن امنیت در یک کشور کار یکفرد است یا همه ملت که باید در آن سهیم باشد؟

آیا آنهائیکه ائتلافها، مظاهره ها و اعتراض ها را در چنین شرایط اساسی برای می اندازند روی کرسی های بلند دولتی هم کار میکنند گاهی هم برای تأمین امنیت کدام برنامه عملی را روی میز داکتر غنی گذاشته اند که وی رد کرده و نپذیرفته باشد؟

نعره های مرده باد و زنده باد و حرکت نارنجی و حرکت خطرناک مدنی یا فلان شخص برطرف شود و فلان ابقاء، اینکه برنامه نیست بلکه زمینه را به بی امنیتی آماده کردن است، این شعارها و خواست ها صرفاً یا از روی تعصب است و یا مرام دیگری پشت پرده دور از چشم ملت در آن نهفته است.

آیا داکتر غنی توان آوردن اصلاحات کلی، کمی و کیفی را در ارگان های امنیتی کشور دارد یا خیر؟

حکومت وحدت ملی دست های داکتر غنی را بسته درحالیکه داکتر غنی خود نه حزب دارد و نه تنظیم مشخص که از وی دفاع کند، البته بعضی از شاخه های تنظیم های جهادی دیروز باوی همکاری دارند که کافی نیست، یک از متحدان قدرتمند داکتر غنی، جنرال دوستم بود که آنهم در قضیه ی ایشچی داکتر اشرف غنی زیر فشار جامعه جهانی قرار گرفت و وی را خانه نشین کرد، زینرو داکتر غنی نمیتواند که با دست باز در اردو و پولیس تغییرات بیاورد چون مهره هائیکه از زمان کرزی توسط این تنظیم ها در کرسی های خورد و بزرگ نصب شده اند از طرف همین ائتلافها، حزب جمعیت، شورای نظار، حزب وحدت، حزب اسلامی غیره و غیره حفاظت و حمایت میشوند، استاد عبدالرب رسول سیاف بارها دولت را تهدید کرده گفته است که:

«مجاهدین از قدرت حذف میشوند و این قابل قبول نیست»، درحالیکه صرف تورن اسماعیل وزیر سابق آب و برق خانه نشین شده و بس، همین اکنون تمام پوست های دولتی در دست افراد و ابسطه به همین ائتلافها و تنظیم ها قرار دارد، زمانی داکتر غنی امر کرد که فلم های سیاه از شیشه های موترها برداشته شود، ولی یک هفته دوام نکرد که سر و صدا ها همین جنگسالاران، احزاب و تنظیم های شامل در قدرت بشمول جنبشها و ائتلافهای تنظیمی بالاشد پولیس ها را لت و کوب کردند و داکتر غنی هم عقب نشینی کرد، دوسیه های فساد مالی بسم الله محمدی، محمود کرزی، قسیم فهیم، ضیامسعود و دهها دوسیه غصب زمین، شهرکهای خود سر و اخراج غیر حرفوی معادن طور خودسر، قاچاق سنگ مرمر هرات به ایران روی میز رئیس جمهور قرار دارد ولی نظریه شرایط و جنگ نیابتی و بخاطر همین سروصدا ها که فوراً داکتر غنی را به قوم گرایی و مجاهد زدائی متهم میکنند؛ به محکمه سپرده نشد و نزد رئیس جمهوری حفظ مانده است.

اهداف از سرو صدا ها و ائتلاف ها:

چندی قبل عطامحمد نور اعلان کرد که با داکتر غنی در مذاکرات راباز کرده قرار است به توافق های دست یابند که طبق آن ۵۰٪ سهم جمعیت اسلامی در وزارت خانه ها، سفارتخانه ها و قونسلگری ها در داخل و خارج از کشور برای وی واگذار خواهد شد، شاه حسین مرتضوی سخنگوی ریاست جمهوری این مذاکرات را تائید کرد ولی گفتند که هنوز توافق بعمل نیامده است، در عین زمان عطامحمد نور از داکتر عبدالله عبدالله هم شکایت کرد وی را ضعیف در تحقق مفردات توافقنامه جان کری دانست، دلسردی عطانور از عدم توافق با داکتر اشرف غنی، برکناری ضیامسعود عضو دیگر از حزب جمعیت اسلامی، سرپرست شدن صلاح الدین ربانی وزیر خارجه و رئیس حزب جمعیت از طرف شورای ملی، آمدن گلبدین حکمتیار و پافشاری امریکا و متحدین روی صلح با طالبان؛ بعضی از جناح را وارخطا ساخت و فکر میکنند که از قدرت کنار گذاشته میشوند، از طرف هم پکه کردن آتش نفاق و جنگ از طرف استخبارات منطقه این دلسردی ها را جان تازه داد و باعث خیزش های به اصطلاح مدنی بعضی از گروه ها و تنظیم ها شد که از آمدن صلح و اصلاحات در نظام، فکر میکنند متضرر میشوند.



ایران کشور که با وجود داشتن مناسبات وسیع و ظاهراً نیک با افغانستان طور خستگی ناپذیر در صدد تفرقه و جنگ در افغانستان است که این عمل ایران سه دلیل روشن دارد:

- ۱- موجودیت قوای امریکا و ناتو در افغانستان که به طبع ایران سازگار نیست.
- ۲- کنترل روی آبهای افغانستان که با همت، رشادت، و مدیریت دکتر اشرف غنی در آستانه مهار شدن قرار دارند.
- ۳- کشور ایران و پاکستان هرگز حاضر نیستند که یک افغانستان به پای استاده، صنعتی و اقتصاد صادرکننده را در کنار داشته باشند.

به گزارش سپوتنیک، رئیس جمهوری اسلامی ایران آقای حسن روحانی، در مراسم افتتاح کنفرانس بین المللی مقابله با گرد و غبار، چلنج ها و راه حل ها، با حضور نمایندگانی از ۳۴ کشور به شمول افغانستان در تهران، از طرح های مختلف بندسازی در کشورهای همسایه ایران چون عراق و افغانستان و تأثیر آن بر روال بیابان زایی و تولید گرد و غبار در منطقه انتقاد کرد.

کنفرانس بین المللی مقابله با گرد و غبار، " چلنج ها و راه حل ها" بتاريخ ۴ جولای با حضور نمایندگان ۳۴ کشور جهان به شمول افغانستان در تهران آغاز به کار کرد و مصطفی ظاهر، رئیس اداره عالی حفاظت از محیط زیست کشور و عباس بصیر، مشاور رئیس جمهور در امور محیط زیست به نمایندگی از افغانستان در این کنفرانس شرکت کرده اند.

روحانی رئیس جمهور ایران همچنین صریح، روشن و بی پرده گفت:

«ما نمی توانیم در برابر احداث سد های متعدد در افغانستان و بندهای کجکی، کمال خان، سلما و دیگر سدها و بندها که بر ولایات خراسان و سیستان و بلوچستان کشور ما تأثیرگذار اند، بی تفاوت باشیم». وی اضافه کرد، اگر جهیل [هامون] با ظرفیت ۱۵ میلیارد متر مکعب آب می توانست بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و بلوچستان را در وضعیت مطلوبی قرار دهد، امروز با خشک شدن این جهیل و تالاب های اطراف، تبدیل به معضل بزرگ برای مردم شده است.

بی مورد نیست که توجه خواننده گان محترم را به حمله ده روز پیش در ولایت هرات جلب کنم؛

«جیلانی فرهاد»، سخنگوی والی هرات روز یکشنبه ۲۵ جون ۲۰۱۷، به رسانه ها گفته:

در نتیجه حمله گروه طالبان بر پوسته پولیس در نزدیکی بند سلما ۱۱ پولیس و چهار طالب کشته و یک پولیس دیگر زخمی شده است، این حمله برای چه و از طرف کی صورت گرفت!

در حالیکه طالبان اعلان کردند که بالای تاسیسات مهم اقتصادی و عام المنفعه حمله نمی کنند.

عطا محمد نور از سابقه و رابطه خوب با ایران برخوردار است چنانچه یک جاده را در شهر مزار شریف جهت خوش خدمتی بنام شهدای قونسلگری ایران در مزار شریف تغییر نام داد.

خواننده گان محترم حال توجه کنند که جنبش روشنائی، جنبش رستاخیز، و دودین عطا محمد نور تا ترکیه و ائتلاف ترکیه از کجا آب میخورد، چطور شکل گرفت و چرا خواهان استعفای دکتر اشرف غنی، مشاور امنیت ملی و وزیر داخله میباشند؟ ساده فکر نکنید لطفاً دقت کنید!

ائتلافها و جنبش های بوجود آمده خواهان آن اند؛ تمام افراد را که این ائتلافها برای رئیس جمهور معرفی میکند در حقیقت باید بدون سؤال و جواب بدون کم و کاست و بدون چون و چرا در پست های لازم و پیشنهاد شده تعیین و مقرر گردند و ۵۰٪ سهم در دولت در اختیار جمعیت اسلامی و عطا محمد نور گذاشته شود تا آن جنرال های بیسواد و ماشینی و آن کادر های با اسناد جعلی تحصیلی که طور فوق العاده رتب بالا و دیپلوم ها را اخذ کرده اند در کرسی های مهم دولتی مقرر شوند، تا زمینه برای قاچاق معادن، رونق اقتصاد و ارداتی، تعویق کار بند های برق و مهار آنها جهت خشنودی بداران ایرانی و پاکستانی شان در ساحات مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مهیا گردد.

مضحکه ای ائتلاف ترکیه:

با وجود که در مورد ائتلاف ترکیه در فوق هم تماس گرفته شد لازم است که به نقاط جالب دیگر این ائتلاف اشاره نمایم، قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ عطا محمد نور در مورد جنرال دوستم چنین گفت:

• «مردم بلخ همین چندی قبل ظلم و ستم جنرال دوستم را گذشتاند و تجربه کافی دارند هرگز بعد از این حاضر نیستند دزد نامی چپاولگرو فاسد را... قبول کنند جنرال دوستم این آرمان را بگور ببرد... طالبان بهتر است، از جنایات دوستم» لینک این ویدیو در ذیل موجود است خود تماشا کنید.

• ۲-نوماه قبل مراسم عروسی «ای جمال دوستم» در جوزجان برپا شد، عطا محمد نور و محمد محقق از یک قدمی او در شهر مزار شریف، نه تنها زحمت رفتن به ولایت همسایه، جوزجان را نکشیدند بلکه حتی



لازم ندیدند به این رقیب دیرینه سیاسی خود پیام تبریکی بدهند. اما چه شد که ۹ ماه بعد همه چیز فراموش شد، و به نامزادی باتور دوستم پسر جنرال، پای این سیاستمداران را به انقراض کشانید!

• ۳- مخالفت ها زمانی بین دوستم و عطامحمدنور به اوج خود رسید که عطامحمد نور عکس دوستم را در شهر مزار شریف از جایگایش پائین آورد.

• ۴- بعد از احراز معاونیت اول ریاست جمهوری، جنرال دوستم در ولایات شمال رهبری جنگ علیه طالبان را بعهده گرفت، چندین بار از طرف عطامحمد نور مورد سرزنش و اتهام قرار گرفت که طرفداران عطا محمدنور را قصداً سرکوب میکند.

اکنون باید فکر کرد که چه چیز باعث شد تا عطا محمد نور با وجود این همه اتهامات و توهین ها نزد جنرال دوستم میروید و با وی تشکیل ائتلاف میدهد!

و جنرال دوستم با کدام روی و حیثیت و دل خوشی که از عطامحمد نور و محقق دارد این پیشنهاد را می پذیرد، در این جای شک نیست که دوستم در پذیرش این ائتلاف مقاصد ذیل را دنبال میکند.

• ۱- آوردن فشار بیشتر بالای داکتر اشرف غنی جهت اعاده موقوف از دست رفته.
• ۲- اعاده حیثیت که از طرف عطامحمد نور با خطاب کردن دوستم من حیث « دزد، چپاولگر و فاسد » خدشه دار شده بود؛ پس میتوان گفت که این ائتلاف سیلی محکمی است از طرف جنرال دوستم بروی عطا محمد نور.

• ۳- عدم شهرت بین المللی سران این ائتلاف، یک گزارش سازمان ملل متحد این سه سیاستمدار را به حیف و میل درآمد از بندر حیرتان متهم می کند، از این سبب می خواهند در چنین شرایط بهرانی جامعه جهانی را تحت فشار قرار دهند، خود نمائی و قدرت نمائی کنند.

• ۴- فشار خارجی بعضی از کشور ها به شمول همسایه ها که از موجودیت داکتر اشرف غنی در قدرت، منافع خود را در خطر می دانند.

حال سؤال این است که اگر دوستم دزد و چپاولگر و فاسد است پس چرا عطامحمد نور با وی ائتلاف کرد؟ با وجود اینکه رهبران این ائتلاف چندان شهرت بین المللی ندارد، سازمانهای استخباراتی کشور های همسایه و غربی این سیاست مداران موقوف طلب و خود پرست را وقتاً فوقتاً جهت تحقق منافع خود استعمال کرده اند، چنانچه در سال ۲۰۰۱ زمانی که امریکا به افغانستان تجاوز کرد بر علاوه دوستم عطا نور و محقق و سایرین نیز از متحدان نزدیک آن بودند، اکنون هم دور از امکان نیست که همین دست های نامرئی خارجی ها در عقب این همه جنبش رستاخیز، جنبش روشنائی و ائتلاف ترکیه قرار داشته باشد چون خارجی ها در افغانستان منافع خود را دنبال میکنند.

خرابی اوضاع امنیتی کشور:

صرف نظر از مسایل تروریسم و این و آن، یکی از مشکل اساسی در کشور ماسطح پائین سواد و احساس ملی است که ملت نمیتواند خوب و بد خود را از دریچه منافع ملی بنگرد و درست تشخیص دهد، و عمل کند.

رسانه های تصویری و روزنامه های زیادی در کشور فعالیت دارند بدبختانه که این همه رسانه ها و ژورنالستان زره هم در بلند بردن سطح آگاهی مردم مسؤلانه عمل نکرده و به شکل از اشکال بیشتر درگیر شوینیزم قومی، مذهبی و لسانی اند تا منافع ملی، بیشتر شخصیت پرستی میکنند تا ملت پرستی، بسیاریها منافع خود را در وجود افراد و اشخاص جستجو میکنند که آنها سابقه روشن ملی، معنوی و مدیریتی عاری از فساد را ندارند این عمل خود باعث شده تا صلح و امنیت در کشور روبه خرابی برود.

بعضی گروه ها و ائتلاف ها داکتر غنی را به تمرکز گرائی یا سنترالیسم فردی متهم میکنند، بیاید یک نظر کوتاه به دستگاه دولت می اندازیم، محمد قربان حقجو بحیث رئیس [آیسا] مقرر شد، اولین کار که کرد بیش از ۱۵۰ نفر مامور مسلکی و سابقه دار پشتون توار را برکنار کرد و برای خود ماهانه ۸۰۰۰ هزار دالر معاش تعیین کرد.

وزیر معارف آقای «اسدالله حنیف بلخی» عضو حزب جمعیت مربوط عطامحمد نور بعد از احراز کرسی وزارت نصاب درسی لسان پشتو را حذف و تمام مامورین پشتون توار را به بهانه ی پوشیدن لباس محلی از داخل شدن به وزارت منع کرد. نادر نادری که از طرف شخص رئیس جمهور به حیث رئیس کمیسیون اصلاحات اداری مقرر گردید در اولین اقدام به گزارش خبرگزاری [آوا] کمیسیون اصلاحات اداری از صدها تن برای شمولیت در اداره تذکره الکترونیکی امتحان اخذ کرد سوالات امتحان به زبان فارسی دری بود و پشتون ها نتوانستند در این امتحان سهیم شوند که این عمل مورد خشم یک عده وکلا و سناتوران قرار گرفت، پس در چنین شرایط رئیس جمهور وقتی نتواند این مهره را بخاطر بلند شدن سروصداها و حمایت ها از طرف این ائتلاف ها مجازات کند، بهتر است که رشته امور را خود در اختیار داشته باشد، در حالیکه هم در امور امنیتی و هم در امور اقتصادی شورای امنیت، شورای اقتصاد، کمیسیون تدارکات که داکتر عبدالله نیر عضو هر یک آن است وجود دارد یعنی تصمیم گیرنده صرف داکتر غنی نیست، و این اتهامات بهانه جویی بیش نیست، از طرف



هم وقتی وزیر نتواند بودیجه خود را مصرف کند و صلاحیت و درایت این مصرف را نداشته باشد درحالیکه وزیر مصرف بودیجه دستباز دارد گناه رئیس جمهور در این چیست اگر وی را برکنار کند؟ که نمیتواند! وقتی وزیر ویا یک والی نمیتواند ابتکار عمل داشته باشد و شرایط را برای کار و تطبیق پلان کاری آماده کند گناه رئیس جمهور در این چیست که آن والی را برطرف کند؟ که نمیتواند، مثل عطانور در مزار . پس بی مورد نیست که چنین اشخاص بی درایت باید بارملاحت را بالای شانه های رئیس جمهور بباندازند؛ سروصدا های عدم داشتن صلاحیت بلند کنند، اگر گفته آنها درست باشد که واقعاً صلاحیت و وظیفوی ندارند و رئیس جمهور همه کارها را درست خود گرفته و این آقایان منحیث یک ملی روی کرسی ها تکیه زده اند، بهتر است که استعفاء دهند!

پس چرا آقای عطانور این ۱۴ سال میشود بالای کرسی ولایت بلخ [لم] داده هیچ رهاکردنی نیست! چرا استعفاء نمیدهد؟

همینطور صلاح الدین ربانی و غیره، معلوم است که اینها افراد اند که صرف زر اندوزی کرده میتواند، استعداد و درایت کاری ندارند و به حساب پنجاه پنجاه آمده اند، زین رو بارملاحت را به این نام و آن نام به گردن داکتر غنی انداختن صرف تلاشی است جهت پنهان کردن استعداد ضعیف و وظیفوی، تلاشی است برای امتیاز گیری بیشتر، بقادر کرسی و انتخابات آینده .

به هر صورت هیچ ائتلاف و جنبش نمیتواند بدون حمایت کشورهای کمک کننده در افغانستان بقا داشته باشد این ائتلاف هم با دلایل که در فوق ذکر شد یک ائتلاف مستحکم و پایدار نخواهد بود مردم هم باید بدانند که این رهبران پوشالی پی منافع ملت نه بلکه پی منافع شخصی خودشان اند.

اگر همه ملت، رسانه ها، و جامعه مدنی طور متحد و یکپارچه از رئیس جمهوری حمایت کنند تا رئیس جمهور با دست باز در مورد عزل و نصب کادرهای امنیتی و اقتصادی عمل کند آنگه هم امنیت در کشور تأمین خواهد شد و هم سطح زندگی مردم بهبود خواهد یافت و با کمال اطمینان میتوان گفت که سطح تهدیدات امنیتی در شهرها ۸۰٪ پائین خواهد آمد، در غیر آن مردم باید بدانند باین ائتلافها و با آن پس منظر شان نمیتوان کار را به چشمه ارج رسانید.

<https://www.facebook.com/asadziar/videos/10207507034874238/>

پایان